بسم الله الرحمن الرحیم

# حکایت - چطوری بزرگ شدی؟!

از بایزید بسطامی، عارف بزرگ، پرسیدند: این مقام ارزشمند را چگونه یافتی؟ گفت: شبی مادر از من آب خواست. نگریستم، آب در خانه نبود. کوزه برداشتم و به جوی رفتم که آب بیاورم. چون بازآمدم، مادر خوابش برده بود. پس با خویش گفتم: **«اگر بیدارش کنم، خطاکار خواهم بود.»** آنگاه ایستادم تا مگر بیدار شود. هنگام بامداد، او از خواب برخاست، سر بر کرد و پرسید: «چرا ایستاده ای؟!» قصه را برایش گفتم. او به نماز ایستاد و پس از به جای آوردن فریضه، دست به دعا برداشت و گفت: **«خدایا! چنان که این پسر را بزرگ و عزیز داشتی، اندر میان خلق نیز او را عزیز و بزرگ گردان.»**

 تذکرة الاولیاء

# پامنبری - دلاوری از دلوار

رئیس‌علی دلواری قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس است و ملت ایران همانند شهید رئیس‌علی دلواری که در مقابل انگلیس ایستادگی کرد، امروز در برابر قدرت‌های متجاوز به سرکردگی آمریکا ایستاده است و از دشمنان خود هیچ واهمه ای در دل ندارد.

بدون تردید، با تفضل خداوند بر ملت های مسلمان، اسلام کاخ‌های جاهلیت را در تمام دنیا ویران خواهد کرد و مظلومان را نجات خواهد داد.

امام خامنه‌ای 13/10/1370

# سیره خوبان - بوسه بر دار

میثم تمار، کیفیت شهادت خود را از مولای متقیان، امیرمؤمنان سلام‌الله‌علیه شنیده و خود را برای مرگ سعادتمند آماده می‌کرد. روزی حضرت، دست میثم را گرفته و درخت خرمایی را که میثم بالای آن به دار آویخته شد، به او نشان داد. میثم همواره به کنار آن درخت می‌رفت و در سایه آن به عبادت می‌پرداخت. وقتی عبیداللّه‌بن زیاد را ملاقات کرد، گفت: «امیرمؤمنان به من خبر داده است که انسانی ستمگر و فرومایه و پسر کنیزی بدکاره، عبیداللّه‌بن زیاد مرا دستگیر کرده و به دار می‌آویزد و زبانم را می‌بُرد و من اولین مسلمانی هستم که افسار بر دهانش می‌بندند تا سخن حق نگوید.»

# برای دوستم چی بفرستم - ایرانی بخر!

مدت‌ها بود تو کف کفش آدیداس بود!

بالاخره یه روز پولش جور شد و کفش رو خرید.

خوشحال و خندون رفت خونه. می‌خواست کفش‌هاش رو به بقیه نشون بده که دید انگار همه ناراحتن.

باباش هم خونه بود. به مادرش گفت: «بابا باید سر کار باشه!»

مامانش گفت: «امروز تعدیل نیرو داشتن! کارگاه تولید کفش تعطیل شد! دیگه کسی کفش ایرانی نمی‌خره! راستی چی خریدی؟!»

(راستی، کم‌کم بوی ماه مهر میاد؛ لباس و لوازم تحریرت رو ایرانی می‌خری؟)

# تکاپو – بزن‌بزن دوست داری؟!

از دیرباز تا کنون هنرهای رزمی بسیاری در اقوام و فرهنگ‌های مختلف جهان وجود داشته‌است که برخی از آنان در طی دوران‌ها و هجوم اقوام مختلف به آن سرزمین‌ها و در گذر تاریخ سبب نابودی کلی و فراموشی آن هنرهای رزمی در جهان شده است. اما در یک برنامه و هدف جامع می‌توان به طور خلاصه دشوارترین، علمی‌ترین، پرکاربردترین و فلسفی‌ترین ورزش‌ها و هنرهای رزمی را به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

1. جودو و سبک‌های نظیر آن (جوجیتسو، هاپکیدو، آیکیدو و...)
2. ووشو یا کونگ‌فوی چینی
3. بوکس
4. موی تای
5. کاراته
6. کیک‌بوکسینگ
7. کشتی
8. تکواندو
9. (سایر سبک‌ها (کونگ‌فو توآ و پنچاک سیلات و...
10. رشته رزمی رپنر - هنر رزمی پارسی

# درس و بحث - To go home

We go to home at four o`clock every day. غلط

We go  home at four o`clock every day. صحیح

To go و to come افعال حرکتی هستند وبعد از آن‌ها باید to بیاید اما home دراین مورد استثنا است؛ یعنی بعداز go اگر Home بیاید، نباید از to استفاده کنیم.

# چقدر باهوشی - هشت تا هشت، هزار

آیا می‌توانید با 8 رقم 8 و علامت‌های جمع  عدد 1000 را بسازید؟

 پاسخ: بله، 8+8+8+88+888=1000

# کتاب خوب - ابوالحسن بنی‌صدر

این کتاب در پنج فصل به زندگی ، تفکرات و اقدامات و سرانجام ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس جمهور مخلوع ایران پرداخته است.

ناشر: انقلاب اسلامی، **تعداد صفحات: 292، قیمت: 20000**

# دانستنی‌ها – آقای همه‌چیزدان

ابوریحان محمدبن احمد بیرونی (زاده ۱۴ شهریور ۳۵۲ خورشیدی، کاث، خوارزم - درگذشته ۲۲ آذر ۴۲۷ خورشیدی، غزنین)، دانشمند و ریاضی‌دان، همه‌چیزدان، ستاره‌شناس، تقویم‌شناس، انسان‌شناس، هندشناس، تاریخ‌نگار، گاه‌نگار، و طبیعی‌دان برجسته ایرانی،در سده چهارم و پنجم هجری است. بیرونی را از بزرگ‌ترین دانشمندان مسلمان و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندانِ فارسی‌زبان در همه اعصار می‌دانند. همچنین، او را پدرِ انسان‌شناسی و هندشناسی می‌دانند. او به زبان‌های خوارزمی، فارسی، عربی، و سانسکریت مسلط بود و با زبان‌های یونانی باستان، عبری توراتی و سُریانی آشنایی داشت. بیرونی یک «نویسنده بی‌طرف» در نگارشِ باورهای مردمِ کشورهای گونه‌گون بود و به پاسِ پژوهش‌های قابلِ توجهش، با عنوانِ اُستاد شناخته شده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای145

## چراغ هدایت – کارهای دم‌بریده

**هر کس با خدا رفیق نشود، سریع شیطان رفیق اصلی‌اش می‌شود.**

\*\*\*

دو شیطان چاق و لاغر با هم در حال صحبت بودند. شیطان لاغر می‌گفت: «من مأمور گمراه کردن کسی هستم که اول هر کاری مثل خوردن، آشامیدن و... بسم الله می‌گوید. به همین خاطر از نفوذ در او و شرکت در کارهایش محرومم. این است که لاغرم. تو چرا انقدر چاقی؟»

شیطان چاقالو پاسخ داد: «چاقی‌ام به خاطر این است که شادم. مأمور گمراهی کسی هستم که کاملاً غافل و بی‌اعتنا به خداست. در هیچ کاری بسم الله نمی‌گوید؛ مثلاً وقت ورود، خروج، خوابیدن، برخاستن و... . تو هم اگر می‌خواهی چاق شوی، او را از نام خدا غافل کن.»

**كُلُّ أَمرٍ ذي بالٍ لَم يُذکَر فیهِ بِسمِ اللّهِ فَهُوَ أَبتَر[[1]](#footnote-1)**

رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: هر کار ارزشمندی که در آن بسم الله ذکر نشود، بی‌نتیجه است.

پرسش:

اگر در کارهایمان به یاد خدا نباشیم، چه می‌شود؟

کارمان بی‌نتیجه می‌شود.

کارمان زودتر به نتیجه می‌رسد.

فرقی ندارد.

## ما و رسانه – بروم یا نروم؟!

طفلک خیال برش داشته بود که هر سازمان و نهادی که نام قانونی بالاسرش خورده، همه کارهایش قانونی است. البته تصور رفیق ما در اصل درست بود، ولی رعایت نمی‌شد. همان روزهایی که تلگرام فیلتر شد و استفاده از آن ممنوع، دیگر کانال اداره‌شان در تلگرام را به‌روز نکرد. رئیس کلی بهش تشر زده بود و گفته بود ما باید در توییتر هم فعال باشیم. پیشم گلایه می‌کرد که تازه گفته‌اند باید کلاس آموزشی هم برای این‌ها بگذاریم. نمی‌خواستم سردش کنم که کار غیرقانونی بکند یا نکند. فقط سعی کردم حالی‌اش کنم به جای همه این‌ها، آن‌قدر عقلش را رشد بدهد که نه خودش در تردید بماند، نه بقیه بتوانند او را به کاری وادار کنند.

پرسش:

در شبکه‌های غیرقانونی اجتماعی فعالیت بکنیم یا نه؟

بهتر است فعالیت نکنیم.

مشکلی ندارد، چون بسیاری از مسئولان و نهادهای کشور نیز در آن فعالند.

باید به رشد عقلی مناسب برسیم تا در این موارد به تردید نیفتیم.

## اقتصاد مقاومتی – سرکاری آقارضا

دبستانی‌ها! دبیرستانی‌ها! کنکوری‌ها! لوازم تحریر سیدی چی؟ سیدی کجا؟ سیدی. لوازم تحریر سیدی برای هر ایرانی.

وارد مغازه که شدم این پیام بازرگانی پخش شد. مرا برد به یاد دبستان، یاد رنگ ندادن خودکار ایرانی در زمان امتحان ریاضی که باعث شد نمره‌ام کم شود و بابام برای من دوچرخه نخرد و سر دوچرخه اصغر با دوستم دعوا کنم که دست او بشکند و دندان من و بعد بابام مرا دعوا کند و اشک من شرشر بریزد...

آقارضا به‌آرامی پس کله‌ام زد: «کجایی پسر؟ ببین کدوم خودکار خوب می‌نویسه. اولی خارجیه و دومی خودکار ایرانی سیدی.» گفتم: «مثل روز روشنه. خودکار، سید و غیرسید نداره. چون وقتی نوشتم، خودکار دومی به پس‌پس افتاد.» آقارضا گفت: **«سر کارت گذاشتم پسر. خودکار ایرانی سیدی از خودکار خارجی بهتره، چون من لوله‌های جوهر خودکارها رو عوض کرده بودم و تو متوجه نشدی که در اصل، خودکار خارجی نفسش قطع شد و رو به موت بود.»**

## یادداشت اول - طبیعت را دستکاری نکن

«احسن الخالقین» یعنی خدا هر چیزی را در بهترین حالت ممکن آفریده است. اما ما چقدر به حرف‌های خدا ایمان داریم؟

اگر فصل رسیدن هندوانه تابستان است، یعنی خوردن این میوه برای تابستان مفید است، نه شب یلدا! اگر شیر تازه در عرض چند روز خراب می‌شود، معنایش این است که شیر را باید تازه خورد، نه آنکه آن را استرلیزه کرد تا یک سال خراب نشود! اگر بینی بزرگ دارید، یعنی طبع شما گرم است و برای خنک شدن بدنتان نیاز به بینی بزرگ‌تری داشته‌اید.

**پشت سر همه دستکاری‌هایی که انسان در طبیعت انجام می‌دهد، یک اندیشه خطرناک است. «من از خدا بیشتر می‌فهمم و شاید بتوانم خلقت خدا را بهتر کنم!»** این همه مریضی‌های جورواجور و عجیب و غریب از عوارض همین تفکر است.

پرسش:

چرا نباید طبیعت و خلقت خدا را دستکاری کرد؟

دلیلی ندارد. اتفاقاً دستکاری طبیعت محاسن زیادی دارد.

چون خدا همه چیز را در بهترین حالت آفریده و دستکاری در خلقت خدا فقط به خود انسان ضرر می‌رساند.

چون طبیعت اصلاح‌شدنی نیست.

## احکام – خمس تمام درآمدها در خانه پدر

خرجش را پدرش می‌دهد، ولی خودش هم از این طرف و آن طرف مقداری درآمد دارد. چون خرجش را دیگری می‌دهد، باید هر درآمدی که کسب می‌کند خمسش را بدهد، مگر اینکه خرج زیارت یا مانند آن کرده باشد.

متن دقیق رساله:

كسى كه ديگرى مخارج او را مى‏دهد، بايد خمس تمام مالى را كه به دست مى‏آورد بدهد، ولى اگر مقدارى از آن را خرج زيارت و مانند آن كرده باشد، فقط بايد خمس باقى‌مانده را بدهد.

توضیح المسائل امام، مسئله 1757

پرسش:

کسی که خرجش را کس دیگری می‌پردازد، تکلیف خمس درآمدهایش چیست؟

خمس بر عهده‌اش نیست.

باید برای خود سال خمسی تعیین کرده و مانند دیگران خمس بپردازد.

باید خمس همه درآمدهایش را بدهد مگر آنکه خرج زیارت یا مانند آن بکند.

1. بحارالأنوار (ط-بیروت) ج 73، ص 305 [↑](#footnote-ref-1)